

ثبوت با ثبات ثابتی

نتایج مؤفّقانۀ مطالعه ، تحقیق و بحث روی الفبای زبان شغنی طی مدت زمان نسبتاً محدودی که به نتیجه گیری رسید ثمرۀ کار ضربتی و خستگی ناپذیر فرهیخته گان توانا و با احساسی بود که از آغاز پایه گذاری این پروژه بزرگ ملی تا کنون در امر تأمین و تکمیل و رفع این خلی عظیم فرهنگی در برابر فرهنگ نیاکان ادای دین نمودند ؛ در خور تمجید و تحسین است .

نظریات و مضامین تحقیقاتی این بحث و گفتگو بدون شک در ارتقای مزید سطح معلومات همه گانی مؤثر بوده ؛ باور ها ، اندوخته ها و تجارب شخصی هر کدام مانرا در مسیر معقول درک بهتر موضوع قرار داد ؛ **مهمتر از همه جریان این گفتمان علمی ضرورت عام و تام**

همبستگی مانرا که ضامن تکمیل اقتدار مادی و معنوی مادر عرصه های گوناگون زندگیست ؛ بیشتر از پیش آشکار نمود .

در جریان تبادل نظریات و اندوخته ها بعضاً بی تابی هائی از نقد روی نظرات شمار محدودی از شخصیت های فرهنگی بدون توجه به تأثیر مندی جنبه های مثبت آن متبلور یافت که گاهی فضای

دوستانه و صمیمانۀ بحث را سرد میساخت که بنظرم بیسابقه بودن بحث و گفتگو و قسماً توضیح و نقد جسورانه مسائل ؛ به نظریات کسانیکه عمری جز احترام کاذبانه بنظریات شان ندیده بودند ؛

زمینه ساز این روند بود . باید گفت که ما در زمانی قرار داریم که نمیتوانیم ادعا کنیم که همه دان و همه توانیم ؛ در گذشته های دور شخصی را فیلسوف میگفتند که به همه سوالها و مسئله های علمی در تمام بخش های مختلف علوم جواب میداد ؛ ولی حالا جواب

دادن و اظهار نظر به همه مسائل علمی علوم حاضره زمان ، فرا منطقی و غیر ممکن است .

لب لباب نتیجه گیری کلی پیشنهاد شده جوان خردمند ، جسور و قابل افتخار ما محترم نوروز علی ثابتی با نظریات تحلیلی

ضمیموی محترم داکتر نصرالدین پیکار قابل تأیید اند .

شایان ذکر میدانم که سهم اثرهای تحقیقاتی محترم ثابتی توأم با ایجاد تحرکات سازنده و شورانگیز آن در بحث و مذاقۀ این گفتمان فرهنگی در خور اهمیت زیاد بود . ویکبار دیگر امید جامعه ما را به جوانان آیندۀ مان پر بار تر ساخت .

در مورد پیشنهاد شان به محترم دکتور خوش نظر پامیرزاد بمنظورهماهنگی و توحید نظریات در جهت بازنگری الفبای تدوین یافته محترم خیر محمد حیدری معاون سرمحقق دراکادمی علوم

افغانستان بنظرم ایجاب مینماید تا کمیته کار علمی متشکل از محترم دکتور خوش نظر پامیرزاد ، محترم خیر محمد حیدری معاون سر محقق مؤلف کتاب الفبای زبان شغنی ، محترم قربان علی شاه صبار ،

محترم خرم بیک سلیمی ، محترم خوش نظر بیکزاد ، محترم حفیظ الله میهن دوست ، محترم نوروز علی ثابتی و دیگر فرهنگیان قابل افتخار ما در داخل افغانستان و شخصیت های اهل نظر و داوطلب عضویت

درین کمیته از بیرون افغانستان در انجام کار این پروژه به حیث

یک مرجع علمی پیشنهاد دهنده ی لزوم بر باز نگری الفبای زبان شغنی با در جریان قرار دادن اکادمی علوم و یا مرجع با صلاحیت علمی دیگر افغانستان بوجود آید و این کمیته با بررسی علمی همه جانبه توأم با اتفاق نظر؛ نتایج کار توحیدی و تحقیقاتی خود را مجدداً به اکادمی علوم افغانستان ویا مرجع با صلاحیت تأییدی دیگر این کار علمی؛ غرض توشیح نهائی پیشنهاد نماید. چون روی موضوعات قابل بحث و نتایج آن روشنی کافی انداخته شده مطمئناً زمانگیر و زمینگیر نبوده در فرصت محدود قابل تصویب میباشد. به تحلیل ما این باز نگری هیچ تأثیری منفی در نتایج اثر تحقیقی محترم خیر محمد حیدری معاون سرمحقق به بار نمی آورد بر عکس در موجودیت و اشتراک فعال آن در کار تحقیقات کمیته؛ اثر الفبای مطروحه آن جامع، پر بار و قابل قبول همگانی گردیده، میتواند به حیث کار تحقیقی ساحه کاری شان دو باره عرض وجود نماید.

همه میدانند که تغیر، تکمیل و اصلاح الفبا در طول تاریخ زبانهای عالم به کرات اتفاق افتیده و موضوع تازه نمیشد. در محیط فرهنگی خود مان افزودن چهار نویسه (پ - چ - ژ - گ) در جمع حروفات زبان عربی باعث رفع مشکلات نگارش فارسی زبانان گردید. علاوهً ایجاد حرکات و نشانه های مخصوص در الفبای اولیه زبان عربی (فتحه، کسره، پیش، دو زیر، دو پیش، ساکن و تشدید و نشانه های دیگر) باعث رفع مشکلات خوانش و نگارش این زبان گردید. با گسترش فتوحات اسلام؛ زبان عربی بطور اجبار بحیث زبان رسمی کشور های مفتوحه جاری ساخته شده بود مردم غیر عرب در ادای واژه گان عربی دچار اشتباه میگرددند بطور مثال ادای واژه (مَلک- مَلک- مِلک) بویژه برای کسی که بزبان عربی آشنا نباشد مخصوصاً در قرائت قرآن مجید خالی از اشتباه نمیشد. افزون بران مردم عرب آواه های نویسه های (ذ - ز - ض - ظ) و (ا - ع) و (ح - ه) و (ث - س - ص) بطور مخصوص و مشخص به آوای این نویسه ها ادا مینمایند ولی ادای آوایی این نویسه ها در میان مردم غیر عرب زبان و در گیر با الفبای زبان عربی قسماً همگون بوده و حتی در عده واژه گان تعدادی از زبان ها؛ این نویسه ها باهم تعویض گردیده اند. و همچنان تجربه نشان داده که کار برد این نویسه ها مخصوصاً برای نوآموزان نا آشنا بزبانهای عربی و فارسی و بیرون از حوزه تأثیر پذیری محیط فرهنگی این زبانها خالی از دشواری نمیشد. لازم میدانم نظر جالب محترم دکتر رحمت مصطفوی مدیر مجله روشنفکر نشریه ی ایرانی را درین زمینه اضافه نمایم: (اگر عرب زبانش را به طور مخصوصی در دهانش میچرخاند و صدایی مانند (ص) یا (ض) درمی آورد و ما نمیتوانیم این صدا را در بیاوریم، نباید لج کنیم و حرفی را که علامت آن صدا است در رسم الخط خود نگاه داریم. به دیوانگی ماند این داوری.

(روشنفکر، شماره های ۶۲۸ و ۶۲۹ در ۲۹ مهر و ۶ آبان ۱۳۴۴)

قابل یاد آوریست در حوزه کار برد الفبای زبان عربی پیوسته برای تغیر ویا اصلاح الفبا اقدامات عملی توأم با ارائیه طرح های سازنده از جانب دانشمندان، در گذشته نیز صورت گرفته است. که ما یاد همه این فرهیخته گان مبارز را گرامی داشته بطور نمونه از اقدام میرزا فتحعلی خان آخوند زاده دانشمند شهیر

آذربایجان که مسلط بزبانهای آذری ، فارسی ، عربی ، کردی ، ترکی ، روسی ، و دیگر زبانهای شرقی بود و به تعدادی از زبانهای اروپائی و فرهنگ جهان غرب آشنائی داشت یاد آوری مینمائیم .

میرزا فتحعلی خان آخوند زاده در سال 1236 شمسی الفبای بدون نقطه را با نویسه های متصل ایجاد و بدربار خلافت عثمانی و ناصرالدین شاه پادشاه ایران پیشنها د نمود تا جانشین الفبای زبان عربی بمنظور ایجاد تسهیلات در شیوه خوانش و نگارش همه زبانهای شرقی منجمله زبان عربی گردد . هر دو دربار بادلائل غیرموجه که بطور عمده جنبه سیاسی و مذهبی داشتند ؛ موافق این تغیر نشدند .

اما این شخص با دیگر همفکران ودوستان خود از تلاش درین راستا باز نه ایستاده پیوسته طرح های تا زه تری را ایجاد و بر درستی واهمیت این پروژه پافشاری مینموده است . از صراحت بیان نامه ارسالی میرزا فتحعلی خان آخوند زاده به شاهزاده اعتضادالسلطنه وزیر وقت علوم ایران ؛ شدت مبارزه ، استقامت و تلاش آن در راستای عملی شدن اهداف آن بکلی آشکار میشود که توجه تانرا به آن معطوف میدارم :

« بازهم مینویسم ومادام که زنده ام مینویسم و خواهم نوشت تا اینکه خیال تجدید الفبا فیما بین کل ملت پراکنده شود . چنانکه قریب پانزده سال است تخم این خیال را در خاک ایران و روم می پاشم ؛ بی شبهه این تخم در عصر اخلاف ما خواهد روئید . »

مجموعه الفبای جدید و مکتوبات، برگ 317- باکو 1963 .

باید پذیرفت که تغیر الفبا برای زبان هر ملتی که زمان طولانی فرهنگ آن به آن رقم یافته کار دشوار است . چون امکان تجدید چاپ همه آفریده های فرهنگی تاریخ گذشته کار ساده نبوده مزید بران توان مالی هنگفتی را نیاز دارد . و در یک کلام گفته میتوانیم که انجام این کار خلی فرهنگی میان فرهنگ نسل جدید و فرهنگ نیاکان ببار می آورد که جبران ناپذیر است . باید به این مسئله توجه داشت که مجموعه الفبای زبان شغنی هم اکنون در آغاز زمان کار و فعالیت خود است بدون شک باز نگری در آن بمراتب سهلتر و اقتصادی خواهد بود تا زمان دیگر . **در شرایط موجود امکان اصلاح نویسه های پیشنهادی در کتب تعلیمی تدوین یافته وزارت معارف افغانستان به زبان شغنی با کمک آموزگاران دانشکده ها و دانش آموزان در جریان تدریس موجود است .** اما با گذشت زمان اصلاح ایجادیات گونا گون آثار فرهنگی که از اداره و نظارت همه گانی خارج است کاریست دشوار وامکان نا پذیر . لازم است با احساس مسئولیت این قیمت کم را که هیچگونه نقصی هم در پی ندارد برای جبران ضررگزارف آینده بپذیریم که نفع ما درین است .

در پایان میخواهم بطور نهایت مختصر توضیحاتی روی تأمل همه جانبه محترم نوروزعلی ثابتی مبنی بر نقد از طرح پیشنهادی الفبا برای زبان شغنی که ازطریق بنیاد ایران پژوهشی سهروردی درشهر مونتریال کانادا تهیه وتدوین یافته بود با احترام به نظریات شان ارائیه دهم :

برادر عزیز !

حقیقت مسلم است که در طول تاریخ زبانهای پامیری، هر نویسنده باین زبانها ، آفریده های ادبی و هنری خود را با طرز اندیشه

خودی ، نویسه های مخصوص زبان خویش را در قالب نویسه های الفبای زبان فارسی و پشتو نشانه گذاری و استفاده نموده است . هر گاه ما اهل زبانهای پامیری سه کشور افغانستان ، تاجیکستان و جمهوری توده چین را در نظر بگیریم به یقین ارقام ازین قبیل شخصیت های با تفاوت نظر را ، بمراتب از ارقام معلوماتی موجود دریافت خواهیم نمود . باید گفت که هر کدام ازین خردمندان بنوبه خود در امر زنده نگهداشتن این زبانها کارهای مثمري نموده اند و استفاده از تجارب و کار کرد های علمی این عزیزان را برای انتخاب بهتر شیوه خوانش و نگارش این زبانها التزامی میدانیم اما در حالیکه الفبای تدوین یافته محترم معاون سر محقق خیرمحمد حیدری پذیرفته شده اکادمی علوم افغانستان ، عالی ترین مرجع علمی کشور ، بنا به دلایلی همچون الفبای زبان شغنی اتفاق نظر بوجود نه آمده نمیتوان این همه انبوهی از نظریات متفاوت را بنا م الفبای مدون و مروج زبان شغنی قلمداد نمود . ومنظور ما از گذشته تاریخی عبارت از سده های گذشته که در آنها الفبای مدون و مروج زبان شغنی موجود بوده باشد ولی در اثر عواملی مانند سرنوشت خط اویستانی ، خط میخی و کتیبه های دیگر تاریخی (که بحث روی انها موضوع تحقیقاتی جداگانه ضرورت دارد) از صفحه نگارش بیرون کشیده شده باشد .

در تبصره 2 (ص. 8) توضیحاتی داده اید که با بحث ما در باره آوانویسه ها متفاوت است به توضیح ما از معیار «جفت آوایی جدا کننده واژگانی» درجایی استفاده می آید که بخواهیم دو آوا را در یک ساختار زبان نوشتاری از یکدیگر تمایز دهیم. برای مثال، در دو واژه نوشتاری «بار» و «پار» یا «پاژ» (پا) و «پاژ» (یکنوع مرض) نویسه های «پ» و «ب» دو جفت آوایی جدا کننده اند. بحث شما در باره آواهای نزدیک به هم، به مانند «پ» و «ب»، که هر دو دولبی اند و یکی واگذار و دیگری بی واک است، بحثی مربوط به «مختصات آوایی جدا کننده» است و در جای خود نیکو و بجاست، ولی به موضوع ما که «جفت آوایی جدا کننده» است مرتبط شده نمیتواند .

در مورد تبصره 3 نیز ذکر چند نکته را ضروری می دانیم :

- ما نشانه مد (~) را برای نشان دادن کشیدگی واکه ها به کار برده ایم همچنان که این نشانه بر بالای نویسه الف (ا) مثلا در واژه «آب» و «آش» همین نقش را دارد.

- با توجه به این که استفاده از نشانه مد (~) خصیصه بهتری از تولید واکه ای را نشان میدهد، مناسبتر خواهد بود تا به جای نویسه «ه» از آن استفاده شود . هرچند نویسه «ه» در خوانش زبان شغنی آوایی را نشان نمی دهد، ولی در واژه های

نوشتاری متون ادبی و فرهنگی مورد استفاده به وفور موجود است. علاوه بر آن، باید توجه داشته باشیم که بار نمودن دو نقش بر یک نویسه آشفتگی و دشواری های آموزشی فراوانی را به آموزنده‌گان این زبان بار می‌آورد. و از جهتی ما ناگزیریم تا کشیدگی واکه هارا با علامتی مشخص بسازیم. باید اظهار نمایم که خودم تا کنون در اصول نوشتاری ام از نویسه « ه » درین موارد استفاده نموده ام و همچنان از گزینش « ف » به جای « ژ » یعنی طرحی که قریب اتفاق نظر همه اهل نظر را دراست نیز مخالفتم ندارم .

- ضمناً برای روشن شدن بهتر علامت تیلد (~ Tilde) قابل توضیح می‌دانیم که در زبان فرانسوی هیچ واژه‌ای با (~ Tilde) نوشته نمی‌شود هرچند از زبان اسپانیایی و یا زبانهای دیگر دنیا باین زبان داخل شده باشد. بعلاوه کارکرد این نشانه هیچ ربطی به کارکرد نشانه مد (~) ندارد. (تیلد ~ Tilde) را درین زبان از آغاز به جای یک N محذوف به کار برده‌اند. ناگفته هم نماند که ارجاع دادن به زبانهای بیگانه اگر برای توضیح یک پدیده زبانی باشد بسیار پسندیده است ولی اگر منظور از این ارجاع نظر تقلید باشد یا توجیه یک نظر دیگر، این کار مفیدیت لازم ندارد .

در تبصره 4 : از موضوع طرح شده در باره «نویسه های ترکیبی» هرگاه ملاحظه مجدد نمائید در می‌یابید که ما در صفحه 9 به روشنی نوشته ایم: «- نویسه ساده به نویسه‌ای می‌گوییم که صورت نوشتاری یک آوای زبانی باشد و یا از یک جزء ساخته شده باشد (نمونه، ی و ح)، یا یکی از اجزای آن را به گونه مستقل نتوان در نوشته به کار برد. برای نمونه، در نویسه‌های ساده آ و غ جزء مد (~) از نویسه آ و نقطه غ هیچ کدام جداگانه به کار نمی‌روند و آوایی را هم بالطبع ثبت نمی‌کنند. « در نتیجه همه توضیحاتی که به دوام آن آورده اید در مکان خود بجا و معقول اند .

در پایان سخن بنظر ما تا حد ممکن هر قدر از بالا رفتن بی دلیل شمار نویسه ها و افزودن نشانه های اضافی بپرهیزیم به فراگیری آموزش و نگارش زبان مفید تر خواهد بود. در شرایطی که انبوهی از تجارب زبانشناسی را در اختیار داریم، به یقین در همکاری بیدریغ و صمیمانه با همه بهترین شخصیت‌های فرهنگی‌مان که درین راستا مصروف کار و تحقیقات سودمند اند؛ به نتیجه دلخواه خواهیم رسید .

نورعلی دوست

شهر لاوال ایالت کبک کانادا

2011/ 0 5/ 25